

سرگی نبوی

مشعل بر راه بیداری اسلامی

مؤلف: منیر محمد غضبان

مترجم: عمر قادری

غضبان، منیر محمد، ۱۹۴۲ - م.
Ghadban, Munir Muhammad
منهج الحركى للسيره النبوية .فارسى
سیره نبوي (مشعلی بر راه بیداری اسلامی) / نویسنده منیرمحمد غضبان؛ مترجم عمر قادری.
تهران: نشر احسان، ۱۳۹۷ . ۸۸۷ ص.
شابک: ۵-۳۶۰-۳۴۹-۹۷۸
یادداشت: چاپ دوم.
یادداشت: کتاب حاضر اولین بار در سال ۱۳۷۹ تحت عنوان «خط مشی سیاسی در سیره نبوي» با همین
متوجه توسط همین ناشر به صورت چند جلد مجزا منتشر شده است.
عنوان دیگر: خط مشی سیاسی در سیره نبوي.
موضوع: محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق؛ تاریخ اسلام از آغاز تا ۴۶ ق؛ تاریخ پیش از اسلام.
شناسه افزوده: قادری، عمر، ۱۳۴۷ -، مترجم
ردی بندی کنگره: ۱۳۹۷ BP۲۲/۹/۴۰۴۱ معاون ۹۳/۹۷۲
شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۸۰۳۳۲

تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، پاساز فروزنده، شماره ۴۰۶.
تلفن: ۶۶۹۵۴۴۰۴ 
www.nashrehsan.com

سیره نبوي (مشعلی بر راه بیداری اسلامی)

نویسنده: منیر محمد غضبان
مترجم: عمر قادری
ناشر: نشر احسان
چاپخانه: چاپ مهارت
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ
سیره نبوي مشعلی بر راه بیداری
قیمت: ۷۰۰۰...
شابک: ۵-۳۶۰-۳۴۹-۹۷۸
۱۰۱۷۷۱
نشر احسان

فهرست مطالب

۱۷	مقدمه‌ی مترجم
۲۳	مقدمه نویسنده
۳۳	گزیده‌ای قبل از ولادت تا بعثت
۳۵	قوم و قبیله‌ی پیامبر
۳۸	نسب و میلاد
۳۸	تاریخ ولادت، شیردادن و حضانت
۳۹	رشد و نمو، کار و ازدواج
۴۰	بعثت و سیرت شخصی
۴۱	خط مشی حرکتی یعنی چه؟
۴۳	جزء (۱)
۴۵	مرحله‌ی اول: دعوت و تشکیلات سری
۴۵	۱- دعوت سری
۴۸	۲- تأکید بر انتخاب و گزینش
۴۹	۳- فعالیت در خلال فرهنگ دعوتگری و پایگاه اجتماعی
۵۱	۴- دعوت عمومی است
۵۳	۵- حمامه‌ی زنان در مرحله‌ی مکی
۵۳	۶- نماز
۵۴	۷- آشنایی قریش با دعوت اسلامی

۸- زندگی مسالمت آمیز	۵۵
۹- تأکید بر بنای عقیده.....	۵۶
۱۰- دعوت آشکار پس از تشکیل هسته‌های محکم.....	۵۶
مرحله‌ی دوم: دعوت آشکار و تشکیلات سری.....	۶۳
بر کوه صفا.....	۶۵
۱- دعوت خویشاوندان.....	۶۷
۲- اعراض از مشرکان.....	۷۰
۳- نشانه‌های راه	۷۱
۴- دعوت برای عموم است	۷۳
۵- تشکیلات سری یا استتار در منزل ارقم.....	۷۵
۶- قرآن تنها منبع شناخت و معرفت	۷۶
۷- رابطه‌ی منظم و پیوسته	۷۷
۸- نماز مخفی در دره‌ها.....	۷۸
۹- تأکید بر جنبه‌ی روحی.....	۸۰
۱۰- دفاع از خود به هنگام ضرورت.....	۸۴
۱۱- تحمل فشار و آزار در راه خدا.....	۸۶
۱۲- رخصت و عزیمت	۸۸
۱۳- تلاش در راه نجات مستضعفان	۹۰
۱۴- هجرت برای امنیت.....	۹۲
۱۵- جستجوی مکانی امن و مرکزی جدید برای دعوت	۹۶
۱۶- استفاده از قوانین مثبت جامعه مشرك (حمایت و پناهندگی).....	۹۸
۱۷- تلاش‌های منفی از سوی دشمن	۱۰۵
۱۸- عملیات ترور و قتل رهبران اسلام	۱۰۷
۱۹- اعلام مبارزه طلبی با جامعه جاهلی	۱۱۰
مسلمان شدن حمزه ﷺ	۱۱۰
مسلمان شدن عمر ؓ	۱۱۱
نتیجه‌گیری:	۱۱۵
۲۰- نقش شخصیت‌های رهبر در مبارزه طلبی	۱۱۹
۲۱- سیاست پیگیری دشمن و ختنی سازی مسلمانان	۱۲۳
۲۲- نبوغ نماینده‌ی مهاجرین مسلمانان در گفتگو با پادشاه	۱۳۰

۱۳۲	- سازش و مصالحه بر سر عقیده ممنوع است	۲۳
۱۳۵	- یک توطنه و شکست آن.....	۲۴
۱۳۸	- مذاکرات مستقیم و راه حل های مسالمت آمیز	۲۵
۱۴۵	- حذف برخی از شخصیت ها از صحنه‌ی دشمنی	۲۶
۱۴۹	- تجمع قبیله‌ای برای حمایت از رهبری.....	۲۷
۱۵۳	- تحریم اقتصادی.....	۲۸
۱۵۹	- انفجار احساسات جهت لغو تحریم ها.....	۲۹
۱۶۴	- نقش زنان در این مرحله.....	۳۰
۱۶۶	- مقاومت سالم.....	۳۱
۱۶۸	- استفاده از نقاط مشترک بین اسلام و دگراندیشان	۳۲
۱۷۰	- کوتاه نیامدن از کوچکترین جزء عقیده با توجیه مصلحت	۳۳
۱۷۳	مرحله‌ی سوم: تأسیس بنیادهای حکومت اسلامی	۳۴
۱۷۳	- جستجوی امنیت خارج از مکه	۳۵
۱۷۹	- درخواست پناهندگی از دشمن	۳۶
۱۸۳	- درخواست حمایت جهت آزادی دعوت	۳۷
۱۹۲	- بی‌نتیجه ماندن گفتگوها	۳۸
۱۹۸	- یافتن مرکز دعوت.....	۳۹
۲۰۲	- بیعت اول و ارزیابی جدید	۴۰
۲۰۶	- اجازه‌ی جنگ	۴۱
۲۱۰	- زمینه سازی گفتگو جهت بنیاد نهادن دولت	۴۲
۲۱۳	- پیمان یا بیانیه‌ی سیاسی	۴۳
۲۱۸	- تحکیم پیمان و اقرار به آن.....	۴۴
۲۲۲	- تأسیس کابینه‌ی حکومت اسلامی با انتخابات.....	۴۵
۲۲۶	- رهبری حریم مبارزه را مشخص می‌کند.....	۴۶
۲۲۹	- رهبر مسلمانان اعلام حکومت اسلامی را به تأخیر می‌اندازد	۴۷
۲۳۴	- آغاز جنگ تبلیغاتی بین حکومت‌های اسلامی و کفر	۴۸
۲۳۵	- فرمان هجرت.....	۴۹
۲۳۸	- گردھمایی دشمن برای ترور رهبری	۵۰
۲۴۱	- نبوغ نقشه‌ی بشری در تدبیر هجرت	۵۱
۲۴۱	- خوابیدن علی در بستر پیامبر.....	۵۲

۲- بیرون رفتن هنگام روز ۲۴۲	
۳- بیرون رفتن از در پشت ۲۴۲	
۴- حرکت از منزل ابوبکر به سوی غار ۲۴۳	
۵- قرار گرفتن غار شور در خلاف راه مدینه ۲۴۳	
۶- کسب اطلاعات از مکه ۲۴۴	
۷- تأمین خواراک ۲۴۴	
۸- از بین بردن آثار و رد پاهای ۲۴۵	
۹- درنگ کردن در غار ۲۴۶	
۱۰- دخالت دست پروردگار ۲۴۶	
۱۱- استفاده از تجربه‌ی مشرکان ۲۴۸	
۱۲- برخورد سیاسی و سخن دو پهلو ۲۴۹	
۱۳- به سوی یمن ۲۴۹	
۱۴- ماجراجویی سراقه و روش برخورد مهاجران با او ۲۵۰	
۱۵- داستان ام معبد ۲۵۴	
۱۸- لشکر جدیدی به کاروان اسلام می‌پیوندد ۲۵۷	
۱۹- نخستین اعلان رسمی برای شعایر عبادی ۲۵۸	
۲۰- پیروزی نقشه و رسیدن رهبر به مرکز فرماندهی ۲۶۱	
جـءـهـ (۲) ۲۶۳	
۱- اعلان دولت اسلامی ۲۶۵	
الف) بنای مسجد ۲۶۵	
ب) تشریع اذان ۲۶۶	
ج) تصویب قانون حکومت اسلامی ۲۶۷	
۲- اعلام قانون دولت ۲۶۸	
الف) پیمان مدینه و ائتلاف با یهودیان ۲۶۸	
ب) رابطه با مشرکان ۲۷۱	
ج) پیمان با بنی ضمره ۲۷۱	
د) پیمان عدم تجاوز با بنی مدلج ۲۷۲	
۳- بنیاد یک پایگاه محکم ۲۷۲	
۴- نقش معنویات و تربیت در بنای جامعه ۲۷۶	
۵- جنگ آخرین چاره ۲۸۱	

۶- گردهمایی بتپرستان در مدینه	۲۸۴
۷- سیاست تشنج‌زدایی و فروکشی بحران	۲۸۶
۸- توطنه‌های ناکام	۲۹۲
۹- قانون شکنی دشمن برای مصلحت	۲۹۷
۱۰- تهدید جان پیامبر ﷺ	۲۹۸
۱۱- وضعیت بحرانی و بسیج عمومی علیه مسلمانان	۳۰۰
۱۲- اعلام جنگ علیه دشمن	۳۰۲
۱۳- اعلام هویت اسلامی در مقابل توطنه‌ها	۳۰۴
۱۴- بدر، برخورد قاطعانه و مفهوم فرقان	۳۱۱
۱۵- پایگاه منافقان، بروز خطر و گسترش فتنه	۳۲۳
پدیده‌ی نفاق در مکه	۳۲۳
—	۳۲۴
۹- آغاز گردهمایی منافقان	۳۲۴
نقش منافقان در بنی قینقاع	۳۲۵
نقش منافقان در جنگ احد	۳۳۰
نقش منافقان در توطنه‌ی بنی نضیر	۳۳۷
نقش منافقان در جنگ احزاب	۳۳۹
نقش منافقان در جنگ بنی مصطلق	۳۴۴
نقش منافقان در جریان افک	۳۷۰
۱۶- وجود و حذف یهودیان در مدینه	۳۷۲
اعتراف به وجود یهودیان در مدینه	۳۷۲
یهودیان بنی قینقاع	۳۷۴
بنی نضیر	۳۸۲
بنی قریظه	۳۹۱
جنگ بنی قریظه	۳۹۹
داوری سعد بن معاذ	۴۰۷
۱۷- شب طولانی محنت	۴۱۸
۱- محنت احد	۴۲۰
پیامبر عمر را از قتل منافقان بازمی‌دارد	۴۲۲
۲- دسته‌ی ابومسلم	۴۳۷
۳- حرکت عبدالله بن اُنیس	۴۳۷

۴۳۸.....	۴- فاجعه‌ی رجیع
۴۳۹.....	۵- فاجعه‌ی بئر معونه
۴۴۰.....	۶- خیانت بنی نصیر
۴۴۱.....	۷- نبرد نجد
۴۴۱.....	۸- جنگ بدر دوم
۴۴۲.....	۹- جنگ دومه الجنده
۴۴۲.....	۱۰- جنگ دفاعی احزاب
۴۵۳	نامه‌ی ابوسفیان و پاسخ پیامبر
۴۵۴	۱۸- نوید پیروزی در قلب نبرد
۴۵۷	۱۹- انتقام شهدای احد، بئر معونه و رجیع
۴۵۷	کشته شدن عصماء بنت مروان
۴۵۹	ابوعفک یهودی
۴۶۰	کعب بن اشرف
۴۶۲	ابن سینیه
۴۶۲	سفیان بن خالد هذلی پس از احد
۴۶۴	ابورافع بعد از جنگ احزاب
۴۶۵	۲۰- جنگ تبلیغاتی و نقش مبارزاتی آن
۴۶۶	در جنگ بدر
۴۷۰	در محنت احد
۴۷۷	جنگ احزاب و آثار آن
۴۸۳	۲۱- توسعه نیرو و تجهیزات
۴۸۵	۲۲- نقش نیروی انسانی
۴۸۶	الف) رشدات‌های بدر
۴۸۸	ب) رشدات‌های احد
۴۹۵	ج) در رجیع و خندق
۴۹۸	۲۳- مشارکت زنان
۴۹۸	نقش زنان در این رویدادها
۴۹۹	الف) اجرای عملی اسلام
۵۰۱	ب) تربیت نسل مسلمان
۵۰۲	ج) رعایت حال همسر و پرورش فرزندان

۵۰۳	د) صبر و بردباری.....
۵۰۷	ه) حضور در جنگ به عنوان آبرسان و امدادگر.....
۵۰۸	و) زنان جنگجو.....
۵۱۲	ز) در دعوت به سوی خدا.....
۵۱۳	۲۴- نبوغ و خلاقیت در نقشه‌ی رهبری
۵۱۵	الف) توان سرویس اطلاعاتی پیامبر ﷺ
۵۱۹	ب) غافل کردن مهاجمان
۵۲۱	ج) پیمان با همسایگان
۵۲۲	د) هجوم به راه عراق
۵۲۲	ه) استقامت در احده و تبدیل شکست به پیروزی
۵۲۳	اقدام خالد بن ولید
۵۲۳	موضع قهرمانانه‌ی پیامبر
۵۲۴	پراکندگی مسلمانان
۵۲۵	اوچگیری جنگ در اطراف پیامبر
۵۲۶	سختترین لحظه در حیات پیامبر ﷺ
۵۲۷	آغاز تجمع پیرامون پیامبر
۵۲۸	تشدید فشار مشرکین
۵۲۹	دشمنان سوگند خورده
۵۲۹	شایعه‌ی کشته شدن پیامبر
۵۳۰	سازمان دهی مجدد
۵۳۰	طلحه در صعود از کوه پیامبر را رایاری می‌دهد
۵۳۱	آخرین حمله‌ی مشرکان
۵۳۱	بذله‌گویی‌های ابوسفیان
۵۳۲	تحقیق پیرامون موقعیت مشرکان
۵۳۳	شرایط اضطراری در مدینه
۵۳۳	جنگ حمراء الأسد
۵۳۶	استقامت در جنگ خندق و فروپاشی دشمن
۵۳۸	۲۵- امداد الهی در جرگه‌ی محنت
۵۳۹	الف) در بدر
۵۴۰	نزول ملائکه

۵۴۱	نزول باران و خواب آرام بخش
۵۴۱	دخالت فرشتگان و تثیت مؤمنان
۵۴۳	تأثیر کمیت در روحیه افراد
۵۴۳	شمშیر عکاشه
۵۴۴	ب) اعمال خارق العاده در احد
۵۴۴	بهبودی چشم قناده
۵۴۵	غسل حنظله توسط فرشتگان
۵۴۵	حمایت از پیامبر
۵۴۶	تیر سعد
۵۴۶	ج) اعمال خارق العاده در خندق
۵۴۷	گرسنگی پیامبر و مسلمانان
۵۴۷	تأمین آدوقه
۵۴۸	اسلام نعیم بن مسعود و نقشه‌ی موفق او
۵۵۱	بادر حرمت و سربازان نامرئی
۵۵۲	۲۶- تربیت الهی به دنبال نبردها
۵۵۳	جنگ بدر و سوره‌ی انفال
۵۶۰	بیانی برای مردم
۵۷۳	لحظه‌ای با سوره‌ی بنی نصیر (حشر)
۵۷۶	لحظه‌ای با سوره احزاب
۵۷۹	جزء (۳)
۵۸۱	پیش درآمد
۵۸۲	۱- مبارزه طلبی معنوی در برابر مشرکین
۵۸۵	۲- داستان إفک
۵۹۱	۳- ازدواج و تأثیر آن در راه دعوت
۵۹۱	ام حبیبه، رمله دختر ابوسفیان
۵۹۲	زینب دختر جحش
۵۹۲	جوبریه دختر حارث
۵۹۳	صفیه دختر حُبی
۵۹۴	میمونه دختر حارث هلالیه
۵۹۶	۴- تقویت صفت داخلی در پرتو صلح حدیبیه

۵- اعتراف رسمی جامعه‌ی بت پرستی به دولت اسلامی	۶۲۱
۶- جنگ چریکی بینوایان	۶۳۲
۷- اعلام جهانی اسلام	۶۴۳
ارسال نامه به پادشاهان و امراه	۶۴۳
۱- نامه به نجاشی پادشاه حبشه	۶۴۳
۲- نامه به مُوقَّس مَلِك مصر	۶۴۵
۳- نامه‌ی پیامبر ﷺ به کسری پادشاه ایران	۶۴۷
۴- نامه‌ی پیامبر ﷺ به قیصر پادشاه روم	۶۴۸
۵- نامه‌ی رسول خدا ﷺ به منذر بن ساوی	۶۵۱
۶- نامه به هوذن بن علی فرمانروای یمامه	۶۵۲
۷- نامه به حارث بن شمر غسانی فرمانروای دمشق	۶۵۳
۸- نامه به فرمانروای عمان	۶۵۴
 —	
۱۳- فراخوان نیروها و تمرکز قدرت	۶۶۱
۹- پایان عمر یهود در جزیره‌ی عربی	۶۶۵
جنگ خبیر	۶۶۵
انگیزه‌ی جنگ	۶۶۶
عزیمت به سوی خبیر	۶۶۷
لشکر اسلام پشت بازوهای خبیر	۶۶۷
آماده باش رزمی و بازوهای خبیر	۶۶۸
آغاز جنگ و فتح قلعه‌ی ناعم	۶۶۹
فتح قلعه صعب بن معاذ	۶۷۱
فتح قلعه‌ی زبیر	۶۷۲
فتح قلعه‌ی ابی	۶۷۳
فتح قلعه‌ی نزار	۶۷۳
فتح ناحیه دوم شهرک خبیر	۶۷۴
مذکوره	۶۷۵
قتل کنانه به خاطر پیمان شکنی	۶۷۵
تقسیم غنایم	۶۷۶
کشتگان دو طرف در جنگ خبیر	۶۷۷
فdk	۶۷۷

نبرد وادی القُری.....	۶۷۸
صلح تیماء.....	۶۷۹
بازگشت به مدینه.....	۶۸۰
داستان اسود چوپان.....	۶۸۰
داستان حجاج بن علاظ سلمی.....	۶۸۱
برآورد محصولات خیر.....	۶۸۳
اخراج یهود از خیر در روزگار عمر.....	۶۸۴
زنانی که در خیر شرکت کردند.....	۶۸۵
تحریم گوشت الاغ اهلی و نکاح موقت.....	۶۸۵
مبازه با فساد اخلاقی و مالی.....	۶۸۹
ای جوانان دعوت.....	۶۹۳
۱۰- فرماندهان دشمن به صفت اسلام می‌پیوندند.....	۷۰۱
مسلمان شدن عمرو بن عاص.....	۷۰۱
مسلمان شدن خالد بن ولید.....	۷۰۳
۱۱- نخستین برخورد با روم.....	۷۱۵
جنگ مؤته.....	۷۱۵
سفرارش پیامبر به سپاه عازم جنگ با روم.....	۷۱۷
جنگ ذات سلاسلی با فرماندهی عمرو بن عاص.....	۷۳۶
اجتهداد عمرو بن عاص.....	۷۳۷
منزلت سابقین.....	۷۳۸
۱۲- پیروزی و فتح خدابی.....	۷۴۳
فتح مکه.....	۷۴۳
آماده باش رسول الله برای فتح مکه.....	۷۴۵
نامه‌ی حاطب به قریش.....	۷۴۶
حرکت در رمضان.....	۷۴۷
هجرت عباس.....	۷۴۸
اسلام ابوسفیان بن حارث و عبدالله بن امیه.....	۷۴۸
اسلام ابوسفیان بن حرب به دست عباس.....	۷۴۸
تحلیل فتح مکه.....	۷۵۱
جهاد سیاسی.....	۷۶۲

۷۶۷	پیروزی خدایی و فتح حقیقی.....
۷۶۷	بازگشت ابوسفیان به میان مردم مکه.....
۷۶۸	پیامبر ﷺ به ذی طوی می‌رسد.....
۷۶۸	وارد شدن سپاه اسلام به مکه.....
۷۶۸	روش ورود به مکه.....
۷۷۰	حکم قتل تعدادی از مجرمین.....
۷۷۱	پناهندگان ام‌هانی.....
۷۷۲	طواف کعبه و ایراد سخنرانی.....
۷۷۳	اعتراف به تولیت عثمان بن طلحه.....
۷۷۳	فرمان پاکسازی بیت.....
۷۷۴	سبب مسلمان شدن عتاب و حارث بن هشام.....
۷۷۴	سقوط بت‌های کعبه.....
۱۵	فضاله چگونه مسلمان شد؟.....
۷۷۵	تأمین صفوان و عکرمه.....
۷۷۶	مسلمان شدن این زبعری.....
۷۷۷	مسلمان شدن سهیل بن عمرو.....
۷۷۷	تمام فرماندهان به اسلام می‌گروند.....
۷۹۲	سه فرماندهی بزرگ.....
۷۹۷	شیوخ مکه.....
۷۹۸	ادیبان مکه.....
۸۰۰	زنان قریش.....
۸۰۴	۱۳- پایان عمر بت‌ها.....
۸۰۴	(الف) انهدام بت‌های عربی.....
۸۰۴	سریه و هیئت‌ها.....
۸۱۸	(ب) نبرد حنین.....
۸۱۸	ترک مکه به هدف حنین.....
۸۱۹	رو به رو شدن سپاه اسلام با حمله‌ی ناگهانی.....
۸۲۰	پاتک مسلمانان و آتش جنگ.....
۸۲۰	شکست سخت دشمن.....
۸۲۱	عملیات تعقیب و گریز.....

جنب طائف.....	۸۲۱
هیئت ثقیف.....	۸۲۳
هیئت هوازن.....	۸۲۴
۱۴- جزیره‌ی عربی به اسلام می‌گراید.....	۸۲۱
۱- هیئت ثقیف.....	۸۲۲
۲- هیئت بنی تمیم.....	۸۲۵
۳- هیئت عامر.....	۸۲۶
۴- هیئت بنی حنیفه.....	۸۲۸
۵- هیئت طبیعه.....	۸۲۹
۶- هیئت‌های جنوب.....	۸۴۵
۱۵- تبوک، بزرگترین صفات آرایی در برابر روم.....	۸۵۱
۱- نمایش بزرگ سی هزار جنگاور.....	۸۵۲
۲- مسیر جنب و عملیات.....	۸۵۴
۳- بروز منافقان و نقشه‌های جدید.....	۸۵۶
۴- سه مختلف و موضع جامعه‌ی اسلامی.....	۸۵۹
۱۶- سوره برائت و پایان بت پرستی.....	۸۶۱
۱۷- حج اکبر و یکصد و سی هزار مسلمان.....	۸۶۷
۱۸- پیوستن به رفیق اعلی.....	۸۷۲
تکمیل دین قبل از رحلت پیامبر ﷺ.....	۸۷۴
جریان سقیفه‌ی بنی ساعدة.....	۸۷۶
پایان.....	۸۸۵

مقدمه‌ی مترجم

بیش از هزار و چهارصد سال پیش که نظام شوم جاهلی بر فضای جامعه‌ی انسانی سایه افکنده بود، سرزمین حجاز نیز در لجنزار و گرداب جاهلیت و بحران‌های فکری، اخلاقی، سیاسی و اقتصادی غرق شده بود. حتی کعبه سیصد و شصت بت را جهت پرسش در خود جای داده بود.

هرکس در منزل خود دارای بت مخصوصی بود. گاه از خرما و شیرینی بت می‌ساختند و در اوقات ضرورت آن را می‌خوردند. یک زن با ده مرد رابطه جنسی برقرار می‌کرد و هنگام زایمان «قیافه شناس» می‌آوردند تا پدر بچه را از میان آن تعداد تشخیص دهد... انسان همچون حیوان خرید و فروش می‌شد... راهزنی، قمار، میگساری و مردار خواری رایج و عربستان هر روز مستعمره‌ی یکی از امپراطورهای ایران و روم بود یا همزمان هریک بر گوشه‌ای از آن حکومت می‌کردند.

وضعیت ممالک دیگر چندان بهتر از عربستان نبود و چه بسا زندگی اعراب بادیه‌نشین نسبتاً از وضعیت بهتری برخوردار بود.

در این شرایط بحرانی، پیامبری از جانب خداوند مبعوث شد که تنها سلاح او خدایی بودن برنامه، صلاحیت، امانتداری و شایستگی بود. وی تنها به فرمان و تکیه بر خدا به

اصلاح جامعه‌ی انسانی همت گماشت. خداوند به او فرمان داد که وقت خواب و استراحتش به سر آمده و وقت انذار و اصلاحش فرا رسیده است.

او به تنها‌ی شعار «الله الا الله» را سر داد و در پای آن ایستاد. زمانی طولانی سپری شد که جز خدیجه، ابوبکر و علی رض کسی همراه او نبود. اندک اندک تعدادی به رسالت او گرویدند... بعدها حمزه مسلمان شد، سه روز بعد عمر فاروق ایمان آورد و بانگ اسلام آشکار گردید... یارانش را که از شکنجه و آزار مشرکان به ستوه آمده بودند برای حفظ جان و ایمانشان به حبسه فرستاد... در مکه به ستوه آمده بود و امنیت خود را در طایف جویا شد که در آنجا نیز با بی‌مهری و اذیت و آزار دور از انتظار مواجه شد و ارازل و اویاش طایف او را همراه «زید بن حارثه» با سنگ پرانی بیرون راندند... پاهایش زخمی و خون آلود گردیدند و به باغ انگور «عتبه و شیبه» پناه برد و بعد از درخواست‌های متعدد در پناه «مطعم بن عدی» به مکه برگشت...

او نتیجه گرفت که دعوت او در مکه رشد نخواهد کرد، از این رو، با مشکلات فراوانی پس از تشکیل پایگاه محکمی در خارج مکه به مدینه هجرت کرد... در راه هجرت هم امنیت نداشت چون مشرکان یکصد شتر را به عنوان جایزه برای کسی که بتواند او را زنده به آنها تسلیم کند پیشنهاد داده بودند... سرانجام شخصی به نام سراقه در مسیرهای پر پیچ و خم و صعب العبور او و یار غارش را پیدا کرد... در اینجا دست پروردگار دخالت می‌کند و سراقه با دیدن اعجاز رسالت از تعقیب خود منصرف می‌شود و پیامبر دستبندهای طالی «کسری» را به او پیشنهاد می‌کند... به او تهمت جنون نسبت می‌دهند؛ این تهمت در معیار مردمان دور از خدا چندان غیر واقعی نبود؛ زیرا او به همراه چند مسکین و بینوا و آواره حبسه و یثرب مدعی بود که پیامبر جهانیان است و ایران و قسطنطینیه را فتح خواهد کرد و دستبندهای طالی کسری را به سراقه خواهد داد. راستی اگر ما آنجا بودیم چه تصور می‌کردیم؟ آیا می‌توانستیم حدس بزنیم که محمد صلی الله علیه و آله و سلم به اهداف خود خواهد رسید و دنیا با وجود او پر از نور و عدل و داد خواهد گردید؟ قطعاً در معیار و مقیاس‌های تنگ مادی خیر.

او مدت‌ها قبل پایگاهی در مدینه بنیاد نهاده بود و به این پایگاه پیوست... حکومت اسلامی را در مدینه تشکیل داد... بعدها مکه فتح شد و یارانش استوار بر پای خود ایستادند...

محمد رحلت فرمود و اسلام همچنان ماند و هدایت خدایی کرانه‌های وسیعی از جهان را در

نور دید...

راستی اگر در غار ثور هنگامی که مشرکان به در غار رسیدند و ابوبکر ﷺ به پیامبر می‌گفت: «اگر آنان زیر پای خود را نگاه کنند، ما را خواهند دید»، حاضر بودیم چه تصور داشتیم و آینده را چگونه پیش‌بینی می‌کردیم؟ آیا هرگز می‌پذیرفتیم که آینده از نور این پیام این چنین پر فروغ شود؟! بر اساس بینش و مقیاس و معیارهای مادی هرگز...

دشمنان اسلام به ایجاد توطئه‌ها پرداختند و با بدعت‌های سیاسی، قرآن و سنت را هدف قرار دادند. برخی گفتند: علی خداست! قدریه اختیار را نفی کردند... خوارج با تکفیر

مسلمانان به میدان آمدند... مرجه تلفظ شهادتین بدون عمل را برابری ورود به بهشت (و إن زَيْنٰ وَ سَرْقَ) کافی دانستند... باطنیه به تأویلات باطل پرداختند... وحدت وجودی‌ها گفتند:

همه چیز خداست... تبلیغات علیه یاران پیامبر و محنت خلق قرآن آغاز شد... اما کف‌ها زدود شد و اسلام همچنان پایدار ماند: ﴿فَآمَّا الرَّبُّدُ فَيَذَهَبُ جُفَاءً وَآمَّا مَا يِنْفَعُ النَّاسَ فَيُمْكَثُ فِي الْأَرْضِ﴾^۱ زیرا اسلام دین فطرت، زندگی و حرکت و جزء ناموس هستی است. فیلسوفان و جامعه شناسان گفته‌اند: «آنچه طبیعی است می‌روید و آنچه غیرطبیعی است زدوده می‌شود». امام مالک گفته است: «ما کان لله دام و اتصل و ما لغير الله قطع و انفصل».

خلافت اسلامی گاهی دور و گاهی نزدیک از روح شریعت تا زمان عثمانیان و قرن نوزده پیش رفت و همچنان به عنوان رمز اتحاد مسلمانان ماندگار بود... دشمنان سلام و به ویژه صهیونیست‌ها که در گوش و کنار جهان مشغول دزدی، گدایی و راهزنی بودند به آشوب‌گری علیه اسلام پرداختند و از خلیفه‌ی عثمانی خواستند که سرزمین فلسطین را به آنان واگذار کند و خلیفه قاطعانه از سرزمین انبیا و یاران پیامبر حمایت کرد. دشمنان اسلام در ممالک اسلامی و بخصوص مرکز خلافت عثمانی در رگ ناسیونالیستی دمیدند و فتنه‌های خواهد را بیدار کردند و ترک و عرب را به جان هم انداختند و حس ناسیونالیستی ترکی، عربی و فارسی

را تقویت و سرانجام حکومت عثمانی را بیمار و سرنگون کردند. راه استعمارگران به ممالک اسلامی و به ویژه خاورمیانه باز شد.

تمام ممالک اسلامی زیر سایه‌ی شوم استعمار قرار گرفت. گرداپ و لجنزار جهالت و بحران سازی باز آغاز شد. تمام کارخانه‌ها در مصر کار می‌کردند و محصولات آنها فقط کفايت سربازان انگلیسی می‌کرد. یک سرباز انگلیسی دهها خرمن کشاورزان مصری را می‌سوزاند و چون مردم او را به سزای اعمالش می‌رسانند ملکه‌ی انگلیس، ویکتورا خانم دستور کشتن بیست نفر مصری را در قصاص وی صادر می‌کرد. درجه دار انگلیسی در قاره هند برای سوار شدن بر اسب خود، مردی هندی یا پاکستانی را صدا می‌زد تا بر پشت او پا بگذارد و راحت سوار اسبش شود.

تا اینکه صدای پای حرکت اسلامی اندک فرا رسید. جمال الدین، محمد عبده، رشید رضا و دیگر اندیشمندان به بیداری مردم همت گماشتند و نتیجه گرفتند که «آیندگان این امت نیز همانند پیشینیان آنان اصلاح خواهند شد.» امام حسن البنا با فعالیت‌های جدی و منظم پا به میدان نهاد و با نفوذ در دانشگاه «الاَزْهَر» رهبرانی همچون هضیبی، سباعی، صواف، زهاوی، تلمسانی، ابونصر، مودودی، مشهور، غزالی، ندوی، قرضاوی، احمد یاسین و غیره را پیرامون خود گرد آورد، هرچند کاسه‌ی صبر دشمنان لبریز شد و دایره‌ی حرکت متفکران و مصلحان را با اعدام و زندان محدود کردند، اما ثابت شد که اسلام دین خداست و فکر و اندیشه نخواهد مرد... هنوز هم کاروان حرکت اسلامی معاصر تنها قدرتی است که مستبدان و انحصار طلبان از آن بیمناک و نگراند و حتی در مقابل آن اصول دموکراسی خود را زیر پا می‌گذارند و از دموکراسی خود مرتض می‌شوند و گاه تحجر آنان به جایی می‌رسد که توان تحمل حجاب دختری را ندارند و نماز و خشوع را نماد خشونت می‌پندارند.

راستی اگر هزار و چهارصد سال پیش در مکه بودیم آینده را چگونه پیش بینی می‌کردیم؟ اگر یک قرن پیش زندگی می‌کردیم آینده را چگونه قلمداد می‌کردیم؟ راستی چه رمزی است که امت محمد با این همه تبلیغات مسموم در صدر است؟ آمار مسلمان با این همه بی‌نظمی از دو میلیارد تجاوز می‌کند؟ پس در سیره‌ی نبوی باید تأمل کرد که مشعلی منور بر راه بیداری اسلامی و رهبران و رهروان آن است، پیامبری که نطق او در میان انبوه استقبال کنندگان

مدينه به هنگام هجرتش عبدالله بن سلام عالم یهودی را بر آن داشت که بگوید: «قسم به خدا در این چهره که مردم را به سلام و اطعام و نماز و تربیت فرامیخواند، دروغ نیست.» در خاتمه‌ی آماده سازی این کتاب برای چاپ دوم، بر خود لازم می‌دانم از تمام دوستانی که در تصحیح و چاپ و نشر این ترجمه همکار بودند و خوانندگان عزیزم که از چاپ اول آن استقبال کردند صمیمانه تشکر و قدردانی کنم. باز هم از خوانندگان محترم خواستارم با برجسته کردن نقص و عیب‌های آن مترجم را یاری دهند.

ختم دعا و گفتارم شکر و سپاس پروردگار جهانیان است که ایمان را نصیب ما کرد و

امیدوارم از ما خوشنود گردد.

«مترجم»

مقدمه نویسنده

کتابخانه‌های اسلامی مملو از کتاب‌های سیره‌ی نبوی هستند، پس چنانچه چیز جدیدی اضافه نکنیم تکرار چه فایده‌ای دارد؟ از پاسخ به این سؤال منصرف می‌شوم، چراکه خواننده در لابلای مطالعه‌ی این کتاب پاسخ آن را خواهد یافت.

از زمانی که چشم خرد به دنیا گشوده و پیرامون خود را شناخته‌ام، زندگی را همراه و همدم سیره‌ی نبوی سپری کرده‌ام. همواره تلاش کرده‌ام که سیره‌ی پیامبر ﷺ و روش حرکت او را بر صفحه‌ی قلب و در عمق ذهن حفظ کنم و حرکات او را به خاطر بسپارم؛ پس سرمایه‌ی حیاتم مرهون و مديون این تلاش و تفکر است. من در زندگی سیره را مطالعه می‌کرم و در معانی و مفاهیم آن به تعمق و تأمل فرو می‌رفتم، با تمرین خود را با رویدادهای آن آموزش می‌دادم و عظمت سیرت پیامبر بروجود من لرزه می‌انداخت و روح و روانم را دگرگون می‌ساخت. به این امید که سیره‌ی نبوی جزئی از وجودم شود، از مطالعه‌ی کتابی از کتاب‌های سیره صرف‌نظر نمی‌کرم و به محض یافتن نکته‌ای پیرامون آن با شور و شوق به رکاب بهرمندی و مطالعه‌ی آن می‌شتافتم.

اوایل جوانی رؤیاها‌ی اراده‌ام را جهت نوشن کتاب سیره تحریک می‌کرد، تا اینکه از مرحله‌ی رؤیا به مرحله‌ی اجرا رسید. پنج سال از وقت خود را به نوشن اجزای سیره نبوی

اختصاص دادم. اما باز فرصت را غنیمت می‌شمردم تا به این موضوع دوست داشتنی به صورت همه جانبی پردازم، اما روابط اجتماعی و کارهای اختصاصی این اجازه را به من نمی‌داد.

پیوسته منتظر بودم..

اما زمانی که اندیشه‌ی «حرکت در پرتو سیره‌ی نبوی» در اندیشه‌ام تولد یافت با اصلی که قبل از باره‌ی آن می‌اندیشیدم تقاضت داشت.

هنوز اوایل دهه‌ی شصت را به خاطر دارم که شهید سید قطب رحمه‌الله با نوشتن کتاب «معالم فی الطريق» فضای حرکت را دگرگون و در اندیشه‌ی بیداری اسلامی تحولی حساس و بی‌نظیر ایجاد کرد.

در مقابل این گزینه از گفتار او لحظه‌هایی توقف کردم و پیرامون آن غرق در اندیشه شدم:

«دومین ویژگی مهم دین واقع‌نگری آن در حرکت است. حرکت دینی مراحل متعدد دارد. هر مرحله نیز دارای وسائل مناسب با خواسته‌ها و نیازهای ویژه‌ی آن مرحله است و کار هر مرحله به مرحله‌ی بعدی منتهی می‌شود. دین اسلام در مقابل واقعیت‌ها و مراحل مختلف با تئوری‌ها و وسائل خشک و بی‌جان برخورد نمی‌کند... آنانکه جهت توجیه هر مرحله از مراحل حرکت، بدون رعایت واقعیت‌های حرکتی و طبیعت مراحلی که بر این برنامه‌ها گذشته است، به متون مختلف قرآنی استدلال می‌کنند و رابطه‌ی نصوص مختلف با مراحل مختلف را نمی‌شناسند، مسائل را در هم آمیخته و سخت در اشتباهند و پوشش گمراه کنند و فریبندی‌ای بر اندام «برنامه‌ی دینی» پوشانده‌اند. آنان متون را برخلاف اصول و قواعد آن تفسیر می‌کنند و هر نصی را به عنوان دلیل نهایی و صرف نظر از موقعیت مستقل آن تلقی می‌کنند و در اثر فشار واقعیت یأس آور نسل‌های جدید مسلمانان که از اسلام جز نامی برایشان باقی نمانده است در حالی که از جهت روحی و عقلی شکست خورده‌اند، می‌گویند: اسلام جز برای دفاع جهاد نمی‌کند! گمان می‌کنند با خلع «برنامه‌ی دینی» از اندام این دین، به آن خدمت کرده‌اند. در حالی که نقشه‌ی اسلام این است که بساط تمام طاغوت‌های روی

زمین را برچیند و مردم را به بندگی خالصانه‌ی خدا رهنمون و از بندگی بندگان، به سوی بندگی خداوند آزاد سازد، اما نه به صورت قهری و جبری، بلکه با برداشتن موانع موجود بین مردم و این عقیده، بعد از اینکه هیبت نظامهای مستبد سیاسی حاکم را در هم می‌کوبد یا آنان را به پرداخت جزیه مجبور می‌نماید، تا تسليم شدن خود را اعلام نمایند و دیگر بین توده‌های مردم و این عقیده مانعی به وجود نیاورند تا مردم با کمال آزادی بتوانند آن را بپذیرند یا نپذیرند.^۱

در حالی که کتاب «المعالم» را می‌خواندم و زمانی که آن را برای شاگردانم شرح می‌دادم در مقابل این موضوع خیلی توقف می‌کردم و پیرامون واقعیت‌هایی که در خلال حرکت و دعوت نمایان می‌شوند سؤال‌هایی در ذهنم ایجاد می‌شد که: حرکت دینی چه مراحلی دارد و هر مرحله از چه وسیله‌هایی برخوردار است؟

—
۲۵

دین
و
تاریخ

چه بسیار نیازمند کتاب‌هایی هستیم که این مراحل و وسائل را برای ما توضیح دهند و نکاتی را به عنوان عالیم و راهنما ارائه نماید که مشعلی بر راه رهبران و رهروان گردند تا دعوتگران مسیر گام‌های خود را بر اساس آنها تعیین نمایند! همانطور که شهید زنده‌یاد در کتاب «المعالم» این کار را انجام داده است.

این موضوع بحثی گسترده و دنباله‌دار است و عدم فهم این مراحل و شناسایی آنها و عدم شناخت وسائل مناسب هر مرحله، اختلاف بین دعوتگران مسلمان و نسل‌های جدید نهضت اسلامی را تشدید می‌کند.

جهت شناخت این مراحل و وسائل آنها، چاره‌ای جز مطالعه‌ی دقیق و تحقیق واضح در سیره‌ی نبوی نیست. مطالعه‌ای که مراحل پشت سر هم و خصوصیات هر مرحله را مشخص کند. چراکه سیره‌ی نبوی یعنی اجرای عملی برنامه‌ی اسلام از سوی پیامبر ﷺ که الگوی قیام حاکمیت اسلامی است.

۱. معالم فی الطريق. این کتاب تحت عنوان نشانه‌های راه توسط آقای محمود محمودی ترجمه شده است.

هرگاه این مراحل و خصوصیات آنها مشخص شدند، توشه‌ی ما آماده، مسیر راه متمایز و دوران اجتهادهای شخصی به پایان می‌رسد.

اما هنوز سؤال دقیق و ریزی در مقابل ما مطرح می‌شود:

برای مسلمانانی که در مسیر برپایی حاکمیت اسلامی گام بر می‌دارند، عمل به این مراحل و به کارگیری این وسائل تا چه اندازه لازم و ضروری است؟

آیا عمل به این مراحل توسط نهضت اسلامی حالت تعبدی دارد و مسلمان حق تخطی از آن ندارد؟ یا این مراحل با عمل به نصوص نهایی اسلام به پایان رسیده و حکم آنها از واقعیت جامعه‌ی اسلامی منسوخ گشته است؟

اختلاف بین دو طرز تفکر اسلامی پیرامون این موضوع به حدی رسیده که هریک از این دو طرز تفکر را در مسیر حرکت مستقلی قرار داده است و آن دو مسیر در خلال این دو فهم شناخته می‌شوند:

فهم اول: معتقد به گردن نهادن مو به موی این مراحل حتی در حد زمانی است و تأکید می‌کند که رسول خدا سیزده سال تمام، وقت خود را صرف دعوت کرده و به دنبال آن حکومت اسلامی را بنیاد نهاده است. پس باید نهضت اسلامی نیز بر این برنامه حتی در حد زمان، پایبند باشد و پس از سیزده سال فعالیت به تشکیل حکومت اقدام نماید!

بی‌شك این یک گرایش غلط و خطروناک است. چراکه تعیین اندازه‌ی زمانی در اصل جزو تشخیص و تقدير الهی است و در حیطه‌ی فعالیت بشر نیست و خداوند جل جلاله به پیامبر خود فرموده است: ﴿فَإِمَّا نَذَهَبَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ أَوْ نُرِيَّكُ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِي إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^۱

«هرگاه تو را بمیرانیم و از میان برداریم (و ناظر بر مجازات ایشان نباشی) قطعاً ما از آنان انتقام خواهیم گرفت (و به مجازاتشان خواهیم رساند). یا (اگر زنده بمانی) آنچه را از عذاب

۱. زخرف: ۴۳-۴۲

ترجمه آیات از تفسیر نور، اثر ارجشمند استاد فرزانه دکتر مصطفی خردل، همراه با تلخیص.

به ایشان و عده داده‌ایم، به تو نشان خواهیم داد، زیرا ما بر آنان مسلط و تواناییم. محکم چنگ بزن به آنچه که به تو وحی شده است. چراکه تو قطعاً بر راه راست قرار داری.»
یکی دیگر از پیامدهای این فهم، تعیین انتظار پیروزی است و گمان می‌رود که قتال و استعمال سلاح قبل از تشکیل حکومت اسلامی جایز نیست و دولت اسلامی باید به پشتیبانی سردمداران جامعه‌ی جاهلی و گشودن سینه‌ی آنان برای پذیرفتن دعوت یا همکاری با آن، قبل از اینکه از شرک و جاهلیت پاک شوند، بنیانگذاری شود. پس نهضت اسلامی از مواجهه‌ی مسلحانه معذور است. حمل این دو موضوع با هم سبب تناقض عجیبی در موضع‌گیری‌ها شده و در صحت این دو مبدأً یعنی؛ سن تعیین زمان و رسیدن به پیروزی سردگمی ایجاد کرده است.

۲۷

گذشت
ی

فهم دوم: اگر از جنبه‌ی مرحله‌ی زمانی بگذریم که تعیین آن مربوط به تقدیرات الهی است و موضوع نصرت را به عهده‌ی آمادگی دعوتگران و لیاقت و شایستگی آنان برای خلافت اسلام بسپاریم، می‌توانیم بگوییم: حرکت در پرتو سیره‌ی نبوی توسط دعوتگران در نقشه‌ی جهادی جهت اقامه‌ی حاکمیت اسلامی یک مسأله‌ی لازم و ضروری است؛ چراکه ما موظف و مأمور به پیروی از رسول خدا هستیم:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ

الله كثیراً﴾^۱

«سرمشق و الگوی زیبایی در شیوه‌ی پندار، گفتار و کردار پیامبر خدا برای شما نهفته است. برای کسانی که دارای این سه ویژگی باشند: امید به خدا داشته باشند، جویای قیامت باشند و خدای را بسیار یاد کنند.»

الگو و سرمشق بودن پیامبر ﷺ مقتضی آشنایی و عمل به سیره‌ی عملی اوست و هرگونه انحراف از آن ما را از رسیدن به اهداف محروم می‌کند. تجارب فراوانی که حرکت‌های اسلامی در طول تاریخ اندوخته‌اند این ادعا را ثابت می‌کند؛ زیرا هیچ حرکتی در طول تاریخ

اسلام شروع نشده که برنامه‌ی الهی را در زمین پیاده کند مگر اینکه ابتدا بر برنامه‌ریزی و تشکیلات سری تأکید کرده است. سپس فهم حرکت خود را به روش حکیمانه و تبلیغ به روش احسن اعلان نموده است. به دنبال آن در مقابل جامعه‌ی منحرف جاهلی یا فاسق ایستاده است. مسأله‌ی استفاده از سلاح در مراحل مختلف دعوت یک مسأله‌ی اجتهادی است و بهره‌برداری از آن به طبیعت دشمن و تشخیص مصلحت توسط مسلمانان بستگی دارد.

زمانی که مسأله محدود به اختلافات اجتهادی است و از سوی دیگر مسلمانان حق دارند که از کیان اسلامی به عنوان مرجع و تکیه‌گاه برخوردار باشند، پس مسأله واضح است. مسلمانان در حالی که در جامعه‌ی اسلامی خود مرجع و تکیه‌گاهی ندارند و شریعتی غیر از شریعت خدا بر زندگی آنان اجرا می‌شود، اگر با وجود دولت، جماعت تشکیل دهنده و این تشکیل به بهانه‌ی خروج از دستور امیر مملکت مورد اختلاف واقع شود که حاکمیت قانون غیر اسلامی در حکومت او محرز باشد، جایگاهی برای اختلاف وجود ندارد و خود پیامبر فرموده است:

إِلَّا أَنْ تَرَوُا كُفَّارًا يَوَاحِدُونَ كُمْ مِنَ الَّلَّهِ فِيهِ بُرْهَانٌ^۱

«مگر اینکه کفر آشکاری بینند و پیرامون آن از سوی خدا دلیل و برهانی داشته باشید. بگذارید باز هم از خود پرسیم که مطالعه و بررسی روش حرکت پیامبر چه سودی دارد؟ از خوانندگان اجازه می‌خواهم که با هم در باره‌ی نظر و موضع خود پیرامون سور قرآن چند لحظه‌ای در سایه‌ی «فی ظلال» بیاساییم:

من ابتدا سوره‌های طولانی قرآن، به ویژه «بقره» و «آل عمران» را می‌خواندم، اما به هیچ خط ارتباطی بین جزئیات آنها پی نمی‌بردم و همچون کسی که بدون آدرس و نقشه وارد شهری شود و در کوچه و پس کوچه‌های آن سردرگم گردد، حیران و سرگردان بودم. دقیقتا مانند کسی که بدون شناخت و نقشه و آدرس وارد شهری می‌شود و جهت یافتن منزل یا

۱. متفق علیه

هدف مورد نظر شهر را زیر و رو می‌کند یا ساختمان‌های بزرگ را بدون توجه به نقشه‌های مهندسی و طراحی‌های معماری و فنون شهرسازی می‌بیند. من هم در وادی این سور قرآنی حیران و سرگردان بودم. اما زمانی که «فی ظلال القرآن» را خواندم به عظمت شگفتی‌های این ساختمان پی بردم و دریافتیم که سوره‌ی بقره که حدود دو جزء و نیم است، محور اصلی آن را ابتدا ساخت و بنای داخلی امت اسلامی در خلال عبادات و احکام و به دنبال آن معرفی نخستین دشمن یعنی بنی اسرائیل تشکیل داده است تا خصوصیات این دشمن و تجربه‌ی ادای خلافت و کیفیت انحرافش را توضیح دهد. با توجه به این دو محور اصلی در این سوره‌ی بزرگ می‌توان هر بخشی از آن را با محور اصلی در نقشه مرتبط کرد. سید جعفر اللہ برنامه‌ی حرکت را در قرآن به ما هدیه داده است. چنانکه هر سوره دارای یک هدف عام، یک هدف خاص و یک محور اصلی است و تمام جریان‌های سوره به حول آن محور می‌چرخد و آنچه که نقشه‌ی کلی سوره را تشکیل می‌دهد، شامل تمام بخش‌های بعد از خود در مکان مناسب آن می‌شود.

کار سید قطب در این زمینه مخصوصاً در بازنگری خود در چاپ دوم فی ظلال القرآن در بین تمام مفسرین منحصر به فرد است.

سید قطب روش حرکت در قرآن را در اواخر تفسیر فی ظلال القرآن در چاپ اول کشف کرد. چنانکه استاد خالدی می‌گوید: راه و روش حرکت به دنبال تجارب عملی و دیدگاه‌های تازه‌ای که در اندیشه‌ی سید قطب تولد یافت کشف گردید که در سه جزء آخر کم کم در اندیشه‌ی او نقش بست و لازم دید که اجزای دیگر را بر اساس این طرز تفکر نو بازنگری نماید. سید فی ظلال القرآن پخته و بازنگری شده را در چاپ سوم توسط انتشارات دارالاحیاء الکتب العربیه در اختیار خواندنگرانش قرار داد.

سید قطب ده جزء اول را در چاپ سوم با دقت بسیار مورد بررسی قرار داد، به صورتی که زمان زیادی را به یک آیه اختصاص می‌داد تا در مورد آن بیندیشد، سپس مخصوصات فکری خود را پیرامون آن به رشتہ‌ی تحریر در می‌آورد و در مورد عقیده، فقه، احکام و معاملات، سیاست، اقتصاد، جامعه‌شناسی یا تاریخ، فلسفه و تربیت و غیره، به دنبال توضیح، تفسیر یا

حدیثی از پیامبر می‌شناخت و برای مدت طولانی بر اشارات و اسرار و رموز عملی می‌اندیشید و الهامات و دستاوردهای خود را برای کسانی که در مسیر فکر اسلامی کار می‌کردند ثبت می‌کرد و مشعل راه را در پرتو مطالعات قرآنی برای دعوتگران بر افروخت.

سید آرزو داشت که بقیه‌ی اجزای فی طلال را از جزء سیزده تا جزء بیست و هفت بر این اساس مورد بررسی قرار دهد، چون سه جزء آخر را بر این اساس نگاشته بود، اما استمگران در پایان دادن به حیات او عجله کردند و به او این فرصت را ندادند که به آرزوی خود برسد.^۱ پس موضوعی تحت عنوان روش حرکت در قرآن وجود دارد و سید قطب تفسیر خود را در پرتو آن نوشته است.

من نیز در این صفحات با توجه به بضاعت اندک خود سعی می‌کنم روش و خط مشی حرکت در سایه‌ی سیره‌ی نبوی را مورد تحقیق و بررسی قرار دهم تا مشعل‌ها و ویژگی‌های راه دعوت اسلامی را برای ما ترسیم کند.

چه بسیار نیازمندیم به سخن گفتن پیرامون برنامه‌هایی که مشعل‌های راه را در مسیر ما بر می‌افروزند! و در کتابخانه‌های ما با وجود کثرت و وفور کتاب‌های اسلامی که هر روز به قفسه‌های کتابخانه‌ها افزوده می‌شوند، جای این موضوع چه خالی است! کتاب‌های سید قطب نظیر «في التایخ فکرة و منهاج» و «معالم في الطريق» و کتاب‌های متفکر جهان اسلام استاد محمد قطب برادر شهید سید قطب از جمله «منهج الفن الإسلامي»، «منهج التربية الإسلامية» و «منهج للتاريخ الإسلامي» و دیگر کتاب‌هایی که ذکر آنها در این مختصر نمی‌گنجد به کتابخانه‌های اسلامی رنگ و بوی دیگری بخشیده‌اند. اما فراموش نکنیم که تعداد این کتاب‌ها که از دیدگاه‌های کلی و فراگیر برخوردارند و در یک نقشه‌ی هندسی جالب هر جزء را در جای مناسب و مکان طبیعی قرار می‌دهند هنوز هم محدود است. سرانجام چه نیازمند مطالعه‌ی روش حرکت در پرتو سیره‌ی نبوی هستیم!

۱. الشهید الحبی سید قطب، ص ۲۴۳-۲۴۲

این کارگاه مولد، از حدیث نبوی که شامل بزرگترین سخنانی است که در این هستی پهناور توسط بشر ایراد گردیده است و تعداد آنها از ده‌ها هزار حدیث تجاوز می‌کند و در بعضی از مجموعه‌ها به تنهایی بیش از پنجاه هزار حدیث وجود دارد و هنوز هم مانند ستارگان آسمان پراکنده و منتشرند و تا به حال در یک ساختمان محکم و مرتب گردآوری نشده‌اند. امیدوارم دانشمندان، معلمان و متغیران اسلامی پیشقدم شوند و این سنگبناهای حیات را با مرتب کردن بر اساس مراحل دعوت، مراحل حکومت، تعیین مشعل‌های راه و مشخص کردن گام‌ها همت گمارند.

در خاتمه‌ی بحث قبل از هر چیز نسبت به اشتباهاتی که ممکن است در اثر سوء فهم در این سیره پیش آمده باشد از خوانندگان عزیز بوزش می‌طلبم، بخصوص در مقایسه‌ی حرکت اسلامی معاصر و مسیر خود با مراحل سیره‌ی نبوی و روش‌های حرکت پیامبر ﷺ؛ چراکه منشأ این تحقیقات فهم و نظر است و حکم کردن در این مورد از فردی به فرد دیگر متفاوت است. اما دوست دارم خواننده‌ی عزیز در باور به این که فراگیری «خط مشی حرکی در سیره‌ی نبوی» و رعایت آن در راه دعوت چیزی لازم و ضروری است، من را همراهی کند و امیدوارم کسی بعد از من باید و این گام‌ها را جدی‌تر و عمیق‌تر سرعت بخشد و این مراحل را به طور عمیق و دقیق مشخص و معین کند و در پرتو سیره‌ی نبوی مشعلی را بر تراز ساختمان دعوت اسلامی بر افروزد.

سیره‌ی نبوی منبع سرشار و غنی و کارگاه بزرگی است که باید با تشخیص شاهرگ و کanal کشی منظم آن به شبکه‌های ضروری حیات، به خوبی مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گیرد و به عنوان بزرگترین مشعل، جهت پرتوافکنی در مسیر طولانی دعوت پایدار بماند. از خداوند می‌خواهم ما را از لغزش فکر و قلم بر حذر دارد و بر راه راست هدایت و راهنمایی نماید و این کار را خالصانه به خاطر رضای خود در صفحه‌ی حسنات در روزی قیامت بپذیرد. همانا او بهترین شنو و جواب دهنده است.

ان أربد إِلَى الإِصلاح مَا سُطِعْتُ وَ مَا تَوَفَّيْقِي إِلَّا بِاللَّهِ، عَلَيْهِ تَوْكِلْتُ وَ إِلَيْهِ أَنِيبُ وَ آخِرَ دُعْوَانَا أَنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.